

The concept of national security and its accessories in the view of Ayatollah Khamenei and its requirements

Mohammad Nasehi

PhD student in Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran.

Email: m.nasehi67@gmail.com

Abstract

The concept of national security is considered one of the most important concepts of foreign policy and theoretical schools in the field of international relations. Each of the theoretical schools in connection with the concept of national security have explained this concept by using various objective and subjective analytical approaches. The different layers of national security are other important fields of study that have been discussed and investigated by political science researchers. The Supreme Leader of the Islamic Revolution has put forth a special point of view in connection with the concept of national security in various statements. In the present study, the authors seek to explain the different aspects of the concept of national security in different theoretical schools and the Supreme Leader of the Islamic Revolution. The question of the upcoming article is, what is the view of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in relation to the concept of national security and what are its dimensions? In response to the above question, the following hypothesis is proposed: the view of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in relation to the concept of national security is based on his pluralistic view of this category and has different dimensions and layers of software and hardware. The research method of this article is descriptive-explanatory and the method of collecting sources is documentary.

Keywords: the concept of national security, software orientation, hardware orientation, schools of international relations, foreign policy.

مفهوم امنیت ملی و لوازم آن در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و بایسته‌ها و الزامات

محمد ناصحی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

Email: m.nasehi67@gmail.com

چکیده

مفهوم امنیت ملی یکی از مهم‌ترین مفاهیم سیاست خارجی و مکاتب نظری در رشته روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. هر یک از مکاتب نظری در ارتباط با مفهوم امنیت ملی با بهره‌گیری از رویکردهای متنوع تحلیلی عینی‌گرایانه و ذهنی‌گرایانه به توضیح و تبیین این مفهوم پرداخته‌اند. لایه‌های مختلف موضوعی امنیت ملی از دیگر حوزه‌های مطالعاتی مهمی است که نزد محققان علوم سیاسی بحث و بررسی شده است. آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با مفهوم امنیت ملی دیدگاه خاصی را در بیانات مختلف مطرح کرده‌اند. در پژوهش حاضر نگارندگان به دنبال تبیین ابعاد مختلف مفهوم امنیت ملی در مکاتب مختلف نظری و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای هستند. سؤال مقاله پیش رو این است که دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با مفهوم امنیت ملی چگونه است و از چه ابعادی برخوردار است؟ در پاسخ به سؤال فوق فرضیه ذیل مطرح می‌شود: دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با مفهوم امنیت ملی برخاسته از نگاه تکثرگرایانه ایشان به این مقوله است و از ابعاد و لایه‌های مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برخوردار می‌باشد. روش پژوهش مقاله حاضر توصیفی-تبیینی و روش جمع‌آوری منابع به صورت اسنادی است.

واژگان کلیدی: مفهوم امنیت ملی، نرم‌افزارگرایی، سخت‌افزارگرایی، مکاتب روابط بین‌الملل، سیاست خارجی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۴

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، صص ۱-۲۶

دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی  CC BY 4.0 International

Doi: [10.22034/rir.2024.201625](https://doi.org/10.22034/rir.2024.201625)

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

امنیت و امنیت ملی از جمله مفاهیمی هستند که پس از پیدایش دولت‌های ملی رایج شده‌اند. هرچند استفاده از این واژگان در ادبیات سیاسی همواره متداول بوده است اما منجر به تعریف واحد و مشخصی نگردیده است. بسیاری از پژوهشگران امنیت ملی را توانایی یک کشور در حفظ ارزش‌های حیاتی در برابر تهدیدهای خارجی می‌دانند. به تعبیری امنیت ملی دستیابی به شرایطی است که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان در امان باشد و در راه امر پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد. مفهوم امنیت برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش توان نظامی است (اصغری ثانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۳).

امنیت و آرامش آحاد جامعه از حقوق اولیه و ضروری مردم است. اگر امنیت در ابعاد عینی و ذهنی وجود نداشته باشد نه تنها زندگی مردم دچار اختلال شده و مشکلات عدیده‌ای برای آنان ایجاد می‌شود بلکه مسئولین و کارگزاران جامعه هم نمی‌توانند روی مشارکت و همراهی مردم در اداره امور جامعه و دفاع از حیثیت و تمامیت ارضی جامعه حساب کنند، لذا حکومت‌ها موظف به تأمین امنیت شهروندان بوده و برای آن سازمان‌ها و نهادهای مختلفی ایجاد می‌کنند. نظام سیاسی یکی از چهار نظام اصلی جامعه و خرده سیستم سیاسی در راستای این نظام نقش مهمی در تأمین امنیت در ابعاد ملی، داخلی، عمومی، اجتماعی و ... ایفا می‌کند. در جامعه ایران بر مبنای تقسیم‌کار اجتماعی این وظیفه به عهده نیروهای مسلح (ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی) واگذار شده است.

نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از نیروهای تأمین‌کننده در امنیت و آرامش به‌ویژه شهروندان نقش مهم و جدی را بر عهده دارد. و می‌بایست در انجام صحیح این مسئولیت خطیر، راهبرد تأمین آرامش و امنیت شهروندان را تدوین نماید تا بتواند بر اساس این برنامه مشخص اقدام کند. تحلیل راهبردی که محور اصلی پیشرفت و تغییرات بنیادین جامعه به‌شمار می‌رود، به‌واسطه چهارچوب و قاعده فکری مختص

خود شیوه مناسبی است که چگونگی رسیدن به اهداف راهبردی را مهیا می‌سازد. یکی از منابع مورد استناد برای تدوین راهبردهای اسناد بالادستی از جمله نظرات و فرمان‌های آیت‌الله خامنه‌ای است. بنابراین می‌توان دستورات، فرمان‌ها، تدابیر، رهنمودها و فرمایشات ایشان را در حوزه مأموریت و وظایف ناجا تنظیم و سازماندهی نمود و به‌عنوان مهم‌ترین منبع فراوری سازمان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌ها در برقراری نظم و تأمین امنیت مدنظر قرار داد و به‌عنوان اصول کلی و اساسی در ابعاد راهبردی تأمین امنیت از آن بهره جست (شایگان و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو در این مقاله سعی شده است با روش توصیفی - تبیینی به بررسی مفهوم امنیت و لوازم آن، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شود.

۱. ادبیات پژوهش

پالوج و همکاران در سال ۱۴۰۲ در مقاله خود با عنوان امنیت اقتصادی فردی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به بررسی و تبیین شاخص‌های امنیت اقتصادی فردی، عوامل ایجاد امنیت اقتصادی فردی، عوامل تهدید امنیت اقتصادی فردی و متولیان امنیت اقتصادی فردی بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌اند و به همین منظور با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نظام‌مند، تمام سخنان، بیانیه‌ها و پیام‌های ایشان را از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داده است: از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، شاخص‌های امنیت اقتصاد فردی شامل امنیت کار، امنیت شغل، امنیت نیازهای اساسی، امنیت زندگی و معیشت، امنیت رفاه و سلامت، امنیت تولید و سرمایه‌گذاری، امنیت درآمد و ثروت، امنیت سود و سرمایه و امنیت کسب و کار می‌باشد. همچنین ایشان امنیت (عمومی، اقتصادی و اجتماعی)، پیشرفت و عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و دسترسی به اطلاعات را از جمله عوامل ایجاد امنیت اقتصادی فردی و ناامنی اقتصادی، فساد، فقر، مصرف‌گرایی و ناامیدی را از جمله عوامل تهدید آن بیان می‌نمایند. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای قوای سه‌گانه و در کنار آن‌ها دستگاه‌های نظارتی و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی متولیان تأمین امنیت اقتصادی فردی هستند.

عبداله‌ی (۱۴۰۱) در مقاله خود تحت عنوان: راهبرد آیت‌الله خامنه‌ای در همراهی امنیت و منافع ملی با وحدت اسلامی در راستای سلامت معنوی جامعه به بررسی

راهبرد آیت‌الله خامنه‌ای در همراهی امنیت و منافع ملی با وحدت اسلامی برای احداث جامعه‌ایی برخوردار از سلامت معنوی پرداخته است. و در ادامه چنین آورده است که در دیدگاه ایشان می‌توان به روشنی تأثیر آموزه‌های دینی و مکتب اسلام، اندیشه‌های بنیان‌گذار کبیر اسلامی، تحولات و شرایط حاکم بر نظام جهانی و کرامت جامعه اسلامی را در ابعاد فردی و اجتماعی و زمینه‌های گوناگون آن ملاحظه نمود و درنهایت این مقاله به این نتیجه می‌رسد که این رابطه تعاملی ترجمان راهبرد جمهوری اسلامی در شرایط فعلی منطقه‌ای و بین‌المللی است و می‌تواند شاخصی مهم برای تحقق و سنجش سلامت معنوی جامعه باشد.

اقراریان و همکارانش (۱۴۰۱) در مقاله‌ای خود با عنوان: سیاست‌گذاری امنیتی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، فرصت‌ها و چالش‌ها، به‌منظور تبیین سیاست‌گذاری امنیتی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌های موجود از بیانات، نامه‌ها، احکام و فرامین رهبری که مرجع فکری این موضوع هستند استفاده و به تشریح آن‌ها پرداخته است.

هاشمی (۱۴۰۰) در مقاله خود تحت عنوان تبیین نقش و جایگاه نیروی انتظامی در اعمال حاکمیت برای تأمین نیاز عمومی به امنیت از منظر فرماندهی کل قوا، به‌دنبال تبیین نقش و جایگاه نیروی انتظامی در اعمال حاکمیت برای تأمین نیاز عمومی به امنیت چنین نتیجه می‌گیرد که مضامین شناسایی‌شده حول چهار محور اصلی ساماندهی شده‌اند، در این چهار محور، نقش ناجا در ایجاد نظم و امنیت (شامل چهار نقش فرعی: حفظ نظم، ایجاد امنیت، استقرار امنیت، عمومیت‌بخشیدن به امنیت) لازمه و مقدمه ایفای سه نقش دیگر آن در برابر مردم، حاکمیت و دین است. ناجا با تأمین نظم و امنیت: ۱. برای مردم پناهگاه و مایه آرامش خاطر می‌شود و زندگی روزمره را ممکن می‌سازد. ۲. اقتدار حاکمیت را به نمایش می‌گذارد و زمینه بالندگی جامعه را در همه عرصه‌ها فراهم می‌کند. ۳. با حفظ ارزش‌ها و معیار قراردادن آن‌ها، یاریگر دین شده و عزت و ارجمندی آن را تداوم می‌بخشد. این جایگاه برای ناجا در منظومه فکری فرماندهی کل قوا، همان جایگاهی است که امیرالمؤمنین علی^(ع) برای سربازان در نظام اسلامی قائل بود.

ساوه درودی و همکارانش (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان: الگوی امنیت اجتماعی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، به ارائه و استخراج وجوه الگوی امنیت اجتماعی در اندیشه ایشان پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که الگوی امنیت اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای شامل عدالت اجتماعی، خدمات اجتماعی، سرمایه اجتماعی، امنیت روانی، مبارزه با مفسدات اجتماعی و امنیت فرهنگی می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد که در اندیشه ایشان صرف تکیه بر بُعد نظامی در امنیت به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و ایشان به‌صورت خاصی بر امنیت اجتماعی تأکید دارند، چراکه امنیت شهروندان به‌ویژه در حوزه اجتماعی برای آیت‌الله خامنه‌ای از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

حبیب‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان: ابعاد امنیت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای با هدف احصای ابعاد امنیت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای تلاش کرده است تا با تحلیل گفتمان، با رویکردی استنباطی و به‌صورت تمام شمار بیانات ایشان را بررسی کرده و ابعاد امنیت را احصا کند. وی با بررسی، واکاوی و تحلیل فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای چنین نتیجه گرفته است که ابعاد امنیت را در شش بُعد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دفاعی - امنیتی و زیست‌محیطی می‌توان سازماندهی کرد. این ابعاد به هم مرتبط بوده و تهدید یا وجود آسیب در هر یک از آن‌ها، سایر ابعاد را متأثر خواهد نمود. ابعاد مطروحه امنیت عمدتاً بر عهده متولیان آن دستگاه‌هاست که باید با اقداماتی از جنس حوزه کاری خویش، امنیت آن حوزه را تأمین نمایند.

سیمبر و رضاپور (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان: امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، با روش تبیینی و توصیفی و با ابزار گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای، به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌اند. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از این است که با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی که دارای ظرفیت بالقوه‌ای از قدرت نرم می‌باشد، عوامل تقویت‌کننده امنیت فرهنگی از منظر ایشان را می‌توان: تعلیم و تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، سبک زندگی اسلامی و عوامل تهدیدکننده را وابستگی فرهنگی، خودباختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و سلطه فرهنگی بیان کرد.

کاوایی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان: امنیت ملی در قرآن کریم، به بررسی امنیت ملی از دیدگاه قرآن می‌پردازد و بیان می‌کند که بر اساس نظریه امنیت ملی، برای تحقق این امنیت باید تهدیدهای پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی منتفی شود. بر مبنای این نظریه تهدیدهایی که نفی آن‌ها در قرآن برای تحقق امنیت ملی در جامعه آن روزگار مورد توجه قرار گرفته فقط تهدیدهای اجتماعی و اقتصادی است. تهدید نظامی، که موجودیت جامعه مورد نظر قرآن یعنی مکه را به خطر می‌انداخت با معجزه الهی ابابیل منتفی شد و تهدید سیاسی به دلیل بدوی بودن آن جامعه و عدم حضور دولتی منسجم، حتی با کارویژه‌های دولت‌های موجود در آن روزگار، ممکن نیست. تهدید زیست‌محیطی نیز موضوعاً منتفی است. باقری چوکامی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان: مرجع امنیت در اندیشه سیاسی و امنیتی آیت‌الله خامنه‌ای، به دنبال پاسخ به این سؤال است که ایشان چه پاسخی به امنیت از منظر چه کسی و چه چیزی داده است؟ در این مقاله برای پاسخ به این سؤال از روش تحلیل مضمون برای استخراج داده‌ها و تبیین آن استفاده شده است. در نهایت یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد مرجع امنیت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای از نظر چه کسی یا کدام واحد؟ چندسطحی، چندبُعدی و چندوجهی مرکب و مشتمل بر فرد، جامعه، دولت، امت و بشریت است. و از منظر چه چیزی؟ ارزش‌های مقوم هر یک از واحدهای پنج‌گانه را شامل می‌شود که منبعث از بینش توحیدی و مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی ایشان می‌باشد. همین امر رابطه بین این واحدها و بین واحدها با ارزش‌های اساسی را تعاملی و اندام‌وار نموده است.

شایگان (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان: راهکارهای ارتقای امنیت اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده است که راهکارهای ارتقا و گسترش امنیت اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌اند؟ و برای پاسخ به این سؤال از روش تحلیل محتوا، به استناد به منابع مکتوب و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای از آغاز مسئولیت ایشان به صورت تمام‌شمار پرداخته است. و در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که از جمله راهکارهای ارتقای امنیت اجتماعی، همکاری کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط، حفظ هویت گروه‌های اجتماعی، ترویج و حفظ ارزش‌های دینی،

وضع قوانین لازم، وحدت مردم و آمادگی حضور در زمان لازم برای حفظ امنیت اجتماعی است.

۲. امنیت ملی در مکاتب مختلف سیاسی

همان‌گونه که در مطالب پیشین اشاره شد تاکنون تعریف واحد و مشخصی از امنیت ملی نه تنها ارائه نشده است بلکه در هر برهه از زمان به ابعاد خاصی از مفهوم امنیت تأکید و توجه شده است. از این‌رو در این مقاله سعی شده است تا برای درک عمیق از مفهوم امنیت، به بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره آن پرداخته شود.

۲-۱. دیدگاه سنتی

دیدگاه سنتی به مفهوم امنیت ملی به معنای عدم تهدید نظامی و یا محافظت از کشور در برابر حملات نظامی از خارج از کشور است. بنابراین تعریف، هر کشور ناگریز است به منظور امنیت و صیانت از موجودیت و تمامیت ارضی خود در جهت افزایش نیروهای نظامی، تجهیز و تسلیح آن گام بردارد (قربان‌پور، ۱۳۹۷).

۲-۲. دیدگاه واقع‌گرایانه

ظهور و تحول تدریجی پارادایم امنیتی و گذار از امنیت ملی به امنیت بین‌المللی و سپس امنیت جهانی که هر یک بر پایه مفروضات نظری و سیاسی متفاوتی استوار هستند، پیوند نزدیکی با تطور تاریخی نظام بین‌المللی و رشد اندیشه بشر در تفسیر آن دارد. پارادایم امنیت ملی در بستر تاریخی مشخصی ظهور کرد. با تولد دولت ملی در قرن هفدهم میلادی و علاقه‌ای که به بقای خود داشت، امنیت ملی از اهمیت خاصی برخوردار شد. برای پایان‌بخشیدن به جنگ همه با همه و دستیابی به نوعی آرامش داخلی، برخورداری از پشتوانه مردمی، خود را موظف به تأمین امنیت آن‌ها می‌بیند و بهترین و کوتاه‌ترین مسیر را در تقویت و تجهیز بنیه دفاعی کشور برای دفع تهاجمات احتمالی می‌یابد، چه آنکه در شرایط محدودیت منابع باارزش جهانی، آن‌کس که قوی‌تر است در رقابت بر سر تصاحب این‌گونه منابع برنده خواهد شد. از این‌رو، بازیگران صحنه جهانی هرگز خود را دور از تهدید نمی‌دانند بلکه سایه تهدیدی دائمی را بر سر خود حفظ می‌کنند. در نتیجه هر بازیگر کسب قدرت برای

دفاع از خود را شرط اولیه بقا می‌شمرد. در این دیدگاه، رابطه مفروض میان امنیت و قدرت، رابطه‌ای همیشگی و مستقیم است. هر قدر بر میزان قدرت یک کشور افزوده شود، امنیت آن کشور نیز افزوده می‌شود. در این دیدگاه که از آن به نگرش «واقع‌گرایانه» به مفهوم امنیت یاد می‌شود، میان امنیت یک ملت با امنیت ملت‌های دیگر رابطه‌ای معکوس برقرار است. به این معنا که، امنیت یکی به بهای ناامنی دیگری حاصل می‌شود. با وجود چنین رابطه‌ای میان امنیت ملت‌ها، امنیت هر واحد به صورت مجزا از دیگران تحقق می‌یابد و جمع میان امنیت ملت‌ها نه تنها دشوار، بلکه ناممکن است (قاسمی، ۱۳۷۲: ۵۹).

طرح اولویت منافع ملی بر منافع امنیت دسته‌جمعی ملهم از «سیاست قدرت» که افرادی مانند «هانس مورگنتا» آن را نظریه‌پرداز می‌کردند، موجبات شکست نظام‌های امنیت جهانی همچون جامعه ملل را در تضمین امنیت فراهم آورد. در حالی که جامعه ملل نتوانست از ظهور فاشیسم و نازیسم جلوگیری کند و در آستانه جنگ جهانی دوم از هم فروپاشید، سازمان ملل نیز با ظهور دو قدرت برتر یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، و دعوی غیرقابل جمع آن‌ها برای سلطه بر جهان که به جنگ سرد انجامید، عملاً کارایی خود را از دست داد. در نتیجه بار دیگر، پارادایم هابزی امنیت ملی، یعنی سیاست قدرت، در امور بین‌الملل برتری یافت. هدف اصلی کشورها نه امنیت بین‌الملل یا حکومت جهانی، بلکه بقای ملی بود. (هافندورن، ۱۳۷۱: ۱۰).

بر اساس چنین برداشتی بود که هر کشور برای دفع تهدیدهای احتمالی، آمادگی جنگی را ضروری و لازم می‌دید و در شرایط بحرانی، تهدید به استفاده از نیروهای نظامی به منظور تحصیل امتیاز یا عدم تمکین در مقابل خواسته حریف، به شکل یکی از ابزارهای اعمال قدرت درآمد (کاظمی، ۱۳۷۰: ۷۷). به این ترتیب، حفظ برتری تکنولوژیک در رقابت تسلیحاتی به یکی از مهم‌ترین اهداف قدرت‌های بزرگ و به تبع آن‌ها، قدرت‌های کوچک منطقه‌ای تبدیل شد و واگرایی از سطح کلان، به سطح خرد نیز کشیده شد. از این رو کشورهای کوچک و ضعیف همواره ناگزیر هستند برای یافتن حامی، به جمع قدرت‌های بزرگ بروند، حتی اگر این حمایت به قیمت محروم شدن کشور تحت حمایت از حقوق اساسی، استقلال و حق تعیین سرنوشت تمام می‌شد،

باز گریزی نبود. انگلستان بیش از یک قرن چنین نقشی را در حوزه خلیج فارس ایفا کرد (اسلامی، ۱۳۶۹: ۵۵۲).

۲-۳. دیدگاه آرمان‌گرایانه

در مقابل برداشت رئالیستی از امنیت ملی، برداشت ایدئالیستی قرار دارد که امنیت ملی را نه توانایی یک ملت بلکه نبود تهدید و وجود تأمین تعبیر می‌کند. با این برداشت امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست‌دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر می‌برد (بابایی، ۱۳۶۹: ۵۱). در ادبیات روابط بین‌الملل، امنیت غالباً به معنای آزادی کشور در تعقیب اهداف ملی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور آمده است (بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۰۴).

«آرنولد ولفرز»، تعریف امنیت ملی را فقدان ترس از به خطر افتادن ارزش‌های حیاتی می‌داند. احساس آزادی داشتن و یا فقدان ترس از به خطر افتادن ارزش‌ها تنها در محیطی متصور است که تضاد و رقابتی وجود نداشته باشد، چراکه وجود رقابت میان واحدها تهدید یکی علیه دیگری را در پی دارد. ریشه اولیه آرمان‌گرایانه از امنیت ملی را در اندیشه‌های کانت سراغ می‌گیرند. این دیدگاه برخلاف برداشت واقع‌گرایانه، نگاه بدبینانه‌ای به جامعه بین‌الملل ندارد و با خوش‌بینی به توصیف آن می‌پردازد. کانت با تأکید بر اصول و ارزش‌های اخلاقی، جامعه‌ای جهانی را پیش‌بینی می‌کند که در آن همکاری برای تحقق آرمان‌های مشترک بشری جای رقابت را می‌گیرد. پیشنهاد صلح ابدی کانت بر این پایه استوار بود که نظام دولت‌های ملی و تفوق منافع ملی را می‌توان با یک نظام سیاسی مترقی، یک قانون اساسی جمهوری خواه، نظامی فدرال از دولت‌ها و نوعی تابعیت جهانی، تجدید سازمان کرد و یک جامعه بشری به وجود آورد. در سنت کانتی، پارادایم امنیت جهانی تنها آرمان تحقق نیافته‌ای است که هرچند موجودیت نیافته، ولی به لحاظ نظری امری امکان‌پذیر است (هافندرون، ۱۳۷۱: ۱۷).

۲-۴. مکتب لیبرالیسم

مکتب لیبرالیسم با الهام از نظریه کانت، بر توانایی بشر جهت تأثیرگذاری و تغییردادن الگوهای عمل و ایجاد نهادها تأکید دارد و بازتاب این باور است که انسان روشنفکر می‌تواند با محور قراردادن ارزش‌های اخلاقی، قوانین لازم برای تنظیم روابط را وضع کند تا در سایه آن هیچ حقی از حقوق مشروع احدی از آحاد جامعه بزرگ بشری نادیده گرفته نشود. در چنین جامعه جهانی، در صورتی که واحدی با زیاده‌طلبی، حقوق دیگران را نادیده بگیرد و قوانین را نقض کند، مراجع قانونی وارد عمل می‌شوند و او را مجبور به اطاعت از قانون می‌کنند. بنابراین، هیچ عضوی نگران آنکه مورد تهاجم قرار گیرد یا منافع مشروعش قربانی شود نیست و با نبود نگرانی، احساس امنیت خواهد کرد. با تحقق اندیشه امنیت جهانی، مرزهای اعتبار جداکننده ملت‌ها که عامل اساسی ایجاد رقابت و کشمکش میان آن‌هاست، از میان می‌رود و همگی در راستای تحقق امنیت همکاری خواهند کرد. در این حالت، نظام دولت ملی، جای خود را به مجموعه واحد جامعه جهانی می‌سپارد و در واقع، یک دولت جهانی، جانشین دولت‌های متعدد می‌شود. ایجاد یک مرجع مقتدر بین‌المللی و تشکیل دولت واحد جهانی یا ایجاد یک نظام فدرال جهانی از طریق تدوین یک قانون اساسی جهانی، راه‌هایی هستند که آرمان‌گرایان برای عملی‌شدن نظرات خود پیشنهاد می‌کنند. طرح‌هایی مانند فدرالیسم و خلع سلاح جهانی، بازتاب چنین برداشتی هستند (قاسمی، ۱۳۷۲: ۶۲).

۲-۵. دیدگاه انترناسیونالیستی

تعریف دیگری از امنیت را از میان نظرات کسانی می‌توان یافت که همکاری دولت‌ها را تنها راه دستیابی به امنیت می‌دانند. این برداشت که با عنوان «نهادگرایی بین‌المللی» شناخته می‌شود، حد وسط دو برداشت قبلی است. ریشه‌های نظری آن را پیش از همه به نظریات گروسیوس نسبت می‌دهند. گروسیوس، مانند کانت، سیاست بین‌الملل را بر اساس جامعه‌ای از دولت‌ها تعریف می‌کرد. وی برخلاف سنت هابزی مدعی بود که دولت‌ها همچون گلابیاتورها در رزمگاه، درگیر یک کشاکش ساده نیستند، بلکه قواعد و نهادهای مشترک، ستیز آن‌ها با یکدیگر را محدود می‌سازد. گروسیوس گر چه دولت‌ها را به‌عنوان بازیگران عمده بین‌المللی می‌پذیرد

ولی به رقابت دائمی بین آن‌ها قائل نیست. از نظر گرسیوس روابط دولت‌ها نه منحصرأ رقابت‌آمیز است چنان‌که رئالیست‌ها مطرح می‌سازند و نه مبتنی بر همکاری است چنان‌که ایدئالیست‌ها معتقدند. دولت‌ها گرچه منافع متعارضی دارند و این امر موجب رقابت آن‌ها می‌شود ولی منافع مشترکی نیز دارند که آن‌ها را مجبور به همکاری با یکدیگر می‌کند. از این‌رو روابط دولت‌ها تلفیقی از رقابت و همکاری است. اجبارهایی که برای همکاری وجود دارد موجب محدودیت رقابت دولت‌ها می‌گردد و روابط آن‌ها را در قالب‌های مشخصی به سوی همکاری سوق می‌دهد (Bull, 1977: 26).

۲-۶. دیدگاه نوین

همان‌گونه که گذشت، امنیت در هر زمانی معنای متفاوتی داشته است، به‌طور مثال، در اندیشه‌های هابز، به معنای حفظ جان و صیانت از نفس بوده و در اندیشه لاک، حفظ اموال و دارایی به آن اضافه شده است.

امروز معنای امنیت علاوه بر مسائل جانی و مالی، به حوزه‌های متفاوت آزادی‌ها، مشارکت سیاسی، تأمین اشتغال، رفاه، بهره‌گیری از اوقات فراغت و برآوردن استعدادها گسترش یافته است (نظری، ۱۳۸۹: ۲). تلاش برای دستیابی به سطح مطلوبی از امنیت ملی پایدار همواره یکی از اصلی‌ترین راهبردها اهداف کلان نظام‌های سیاسی بوده است. با توجه به دو نوع نگاه سلبی و ایجابی به مقوله امنیت می‌توان ادعا کرد که در دیدگاه سلبی، که ناظر بر تهدیدات امنیت ملی تعریف می‌شود، با فوریت بیشتری، نظر سیاست‌گذاران امنیت ملی کشورها را به خود جلب می‌کند و مطالعات ایجابی به‌رغم اهمیت مضاعف، در حال حاضر، بیشتر جنبه مطالعاتی و نظری دارد. از سویی دیگر، مطالعات امنیت ملی را می‌توان در دو رویکرد سنتی و نوین دنبال کرد. رویکرد سنتی تقریباً هم‌ارز مطالعات راهبردی در کشورهای غربی است و جنبه نظامی دارد، اما رویکرد نوین دیدی کلان‌نگر به جوانب مختلف امنیت ملی دارد و به نظر می‌رسد دنیای پیچیده کنونی، بیش از هر زمان دیگری، به نگاه جامع نیاز دارد.

اکنون با گذشت چهاردهه از انقلاب اسلامی، دنیای پیرامون نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران پر از آشوب‌ها و بحران‌های مختلف است و آینده‌پژوهان دنیای امنیت نیز درباره وخیم‌تر شدن اوضاع هشدار می‌دهند. بااینکه در طول چهل

سال گذشته، سیاست‌گذاران و مدیران امنیت ملی کشور توانسته‌اند از سد بحران‌های مختلف بگذرند و کشور را به کشتی باثباتی در منطقه ناآرام و متشنج غرب آسیا بدل کنند باید توجه ویژه‌ای به تهدیدات پیرامونی کشور داشته باشیم و با برنامه‌ای دقیق، آمادگی‌های لازم برای مقابله با آن‌ها را کسب کنیم.

۳. انقلاب اسلامی و مفهوم امنیت

در دوره قبل از انقلاب اسلامی و در دوران سلطنت رضاشاه، اداره تأمینات و آگاهی شهربانی تنها تشکیلات عهده‌دار وظیفه اطلاعاتی و امنیتی در اقصی نقاط کشور بود. باین حال به‌دنبال برکناری رضاشاه از سلطنت، دستگاه اطلاعاتی و امنیتی او نیز که سابقه سوء در نقض حقوق اساسی مردم ایران از اقشار و گروه‌های مختلف داشت به‌سرعت روبه ضعف گرایید و تا سال‌ها بعد سازمان اطلاعاتی و امنیتی کارآمد و انسجام‌یافته‌ای در کشور به وجود نیامد و تنها برخی از نیروهای نظامی و انتظامی نظیر ارتش و ژاندارمری به سازماندهی تشکیلات اطلاعاتی محدودی در حیطة فعالیت خود اقدام کردند اما به‌تدریج و به‌ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی به‌سرعت تقویت‌شده و گسترش کمی و کیفی چشمگیری پیدا کرد و در همان حال، حکومت وقت اساساً برای تثبیت و تحکیم موقعیت خود در برابر مخالفان و در جهت حمایت از منافع حامیان خارجی خود بازهم دستگاه‌ها و سازمان‌های اطلاعاتی خود را تقویت کرد که مهم‌ترین این اقدامات تأسیس ساواک بود. ساواک از یک‌سو با هدف تأمین امنیت منافع آمریکا و رژیم استبدادی شاه به سرکوب توده‌های مردم از طریق کشتار، شکنجه، زندان، تبعید، احضار و غدغن کردن اجتماعات، خبرچینی، پرونده‌سازی، دخالت در زندگی شخصی افراد، توطئه‌چینی، نظامی‌کردن همه شئون و ایجاد سازمان‌های فاشیستی پرداخت و از سوی دیگر به اشاعه فرهنگ استعماری و سرکوب فرهنگ مذهبی و ملی مردم با در دست‌داشتن رادیو، تلویزیون، اداره هنرهای زیبا، سازمان هدایت جوانان، کاخ جوانان، بنگاه‌های تعاونی روستایی و سازمان‌های دولتی دانشجویی اقدام کرد و این سازمان نه‌تنها موجب ایجاد امنیت نبود بلکه خود یکی از مهم‌ترین عوامل نارضایتی مردم از حکومت به‌شمار می‌رفت (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۳).

در این دوران روستاها در نابسامانی و فقر و عقب‌ماندگی به سر می‌بردند و توجه دولت بیشتر بر آبادی شهرهای بزرگ بود. کشاورزی که مهم‌ترین بخش اقتصاد را تشکیل می‌داد مورد بی‌توجهی واقع شده بود که این امر بیش‌ازپیش بر ناامنی اقتصادی در کشور دامن می‌زد. طبق آمار دولتی در سال ۱۳۵۶، بیشتر مواد غذایی مورد نیاز کشور مانند گندم، مرغ، تخم مرغ، پنیر و ... از طریق واردات تأمین می‌شد. صنعت نیز از این قائله مستثنا نبوده و تمام کالاهای صنعتی مورد نیاز کشور از طریق واردات تأمین می‌شد و تعداد محدودی از کالاهایی هم که در داخل ساخته می‌شدند از کیفیت و مرغوبیت مطلوبی برخوردار نبودند. در زمینه تسلیحات نظامی نیز، وابستگی زیادی به کشورهای تولیدکننده این تسلیحات وجود داشت. از نظر اجتماعی تبعیض و بی‌عدالتی، تهاجم فرهنگی، نبود امکانات بهداشتی و درمان، شیوع بیماری، قحطی و بی‌سوادی، عقب‌افتادگی در علم و فناوری و ... همه و همه سبب اوضاع آشفته و نارضایتی بیش‌ازحد مردم از حکومت و شاه بود. و زمینه‌های ظهور انقلاب اسلامی را موجب شد.

انقلاب اسلامی ایران یکی از باشکوه‌ترین و مؤثرترین وقایع دوران معاصر است. انقلابی که جوشش مردم این سرزمین آن را شکل داده و به پیروزی رسانید. مردمی که با دم مسیحای روح‌الله زنده شده و به حرکت درآمده بودند، توکلشان به خدا بود و جز او در این عالم پهناور هیچ یاور و پشتیبانی نداشتند. ویژگی‌های انقلاب اسلامی و وجه تمایز اصلی آن از دیگر حرکت‌ها و نهضت‌های معاصر با سه عنصر «اسلامی»، «مردمی» و «رهبری» شناسایی می‌شود. در دورانی که به حکومت دینی حتی تفکر حکومت الهی پایان داده شده بود و ارتباط با خدا در حد رفع آلام روحی محدود شده بود انفجار عظیمی با نهیب خمینی کبیر در این سرزمین به پا شد و همه جهان را لرزاند گویی قرن‌ها فریب و نیرنگ برملا شد و یافته‌های دروغین به یک‌باره گسست. یکی از ویژگی‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران جایگاه رهبری آن از دید نظری و نقش بارز امام خمینی^(۵) در تحقق این دیدگاه و برقراری پیوند عمیق با مردم و وحدت بخشی به آنان است. امام خمینی^(۵) با تبیین دقیق جایگاه رهبری اسلامی و تئوریزه کردن مبحث ولایت فقیه، ابتدا اصحاب علمی خود را با اهمیت و عمق رهبری اسلامی آشنا کردند و آنگاه با هدایت روحانیت اسلام جایگاه رفیع امام و مردم نمایان شد.

بازگشت به تاریخ انقلاب نشان می‌دهد که عظیم‌ترین و زیباترین جلوه‌های مشارکت مردم این انقلاب و نظام اسلامی را شکل داده است (مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۷۸).

میراث گران‌سنگ اندیشه‌های تابناک امام خمینی^(ره) و گنجینه ارزشمند دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف و بازشناخت فرهنگ اصیل اسلامی طرحی نو در انداخته و در حوزه اندیشه سیاسی و مفاهیمی چون امنیت ملی ساختار نظریه‌پردازی و تحلیل و تبیین را بر شالوده آموزه‌های دینی و فرهنگ اصیل اسلامی بنانهاده است. علی‌رغم نارسایی مفهومی و عدم جامعیت در تعریف منطقی امنیت ملی، این اصطلاح رایج سیاسی در فرهنگ‌های نظام‌های سیاسی گوناگون کاربردهای متفاوتی دارد. از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، امنیت ملی دارای مفهوم چندوجهی و سیال و برخاسته از آرمان و سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای برای مسئله امنیت ملی آثاری بیان می‌کند که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان اصول کلی یاد کرد.

۴. امنیت ملی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، امنیت اساس بقا و توسعه یک جامعه را تشکیل می‌دهد. امنیت از جمله حقوق اساسی مردم به‌شمار می‌رود که وظیفه نظام سیاسی و نخبگان است که در جهت تأمینان بکوشند.

«امنیت به نظر من در درجه اول حقوق مردم است، احساس خود مردم هم همین است، یعنی اگر محیط ناامن باشد هیچ خواسته و خوشی برای مردم باقی نمی‌ماند لذا شما دیده‌اید که گاهی در بعضی از ادوار تاریخ، مردم تن به قلدری یک قلدر با همه رنج‌ها و سختی‌هایش داده‌اند، برای اینکه امنیت را در اختیار آن‌ها بگذارند. پس امنیت اینقدر مهم است؛ امنیت یک مقوله‌ای است هم کاملاً واقعی و ملموس و هم بسیار گسترده» (خامنه‌ای، بیانات، ۲۶ / ۱۳۷۹).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بدون امنیت، نه خوراک لذتی می‌بخشد، نه خانواده انسی ایجاد می‌کند و نه شغل و درآمد فایده‌ای می‌دهد. امنیت که نبود هیچ چیز نیست. امنیت مثل هوا برای انسان، به‌طور مستمر لازم است. اگر جامعه امنیت نداشته باشد، حالت اختناق پیدا می‌کند، مثل مجموعه‌ای که هوا در اختیار نداشته باشد این

اهمیت امنیت است. امنیت هم متعلق به همه است. از دیدگاه ایشان امنیت مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای مردم است و اگر وجود نداشته باشد هیچ کاری حتی عبادت خداوند هم برای مردم امکان‌پذیر نیست بنابراین ضرورت وجود امنیت برای تداوم جامعه و انجام فعالیت‌های اقتصادی، علمی و اجتماعی مورد تأکید است. امنیت باید همه‌جانبه باشد و تمام ابعاد حیات فردی و جمعی را شامل می‌شود و هیچ حیطه‌ای از زندگی بشر نباید خالی از امنیت باشد (عبداللهی، ۱۴۰۱).

آیت‌الله خامنه‌ای مباحث امنیتی را حاصل تلاش سامانه‌ای و منسجمی می‌بیند که اولاً انواع متعددی دارد و باید به همه انواع آن‌ها توجه داشت، چنانچه ایشان شانزده نوع امنیت را ذکر می‌کنند (نظامی، انتظامی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، قضایی، ملی، داخلی، عقیدتی، فکری، اقتصادی، عمومی، سیاسی، شهروندی، آبرویی، سرمایه‌گذاری) که اگرچه ممکن است بعضاً از حیطه وظایف و تعاریف همپوشانی داشته باشند، اما با توجه به دقت نظر رهبر در به‌کارگیری الفاظ و کلمات، قطعاً وجوه تفاوتی بین آن‌ها یافت خواهد شد. دوم اینکه آیت‌الله خامنه‌ای تولید و حفظ امنیت را وظیفه یک دستگاه یا سازمان نمی‌دانند، بلکه آن را برابری فعالیت مشترک تمام دستگاه‌ها و سازمان‌ها و حتی افراد خانواده‌ها می‌دانند که هر یک احساس تکلیف کنند و نقش خود را شناخته و به آن عمل کنند (امیری لرگانی و همکاران، ۱۳۹۸).

۴-۱. امنیت نظامی و انتظامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

امنیت نظامی یکی از مهم‌ترین لایه‌های امنیت ملی است که در سطح امنیت سخت‌افزاری مسئولیت حراست از بقای جامعه را برعهده دارد. نیروهای نظامی مهم‌ترین ابزار تأمین امنیت و تمامیت ارضی جامعه محسوب می‌شود.

بدون نیروهای مسلح، جامعه سر پا باقی نمی‌ماند. نیروهای مسلح ایمن‌ساز هستند. امنیت همه‌چیز یک کشور است؛ اگر امنیت نباشد علم، اقتصاد و راحتی نیست. همه جوامع برای اداره امور خود به حکومت نیاز دارند و از اولین کارکردهای هر حکومتی تأمین امنیت است به عبارتی برای تأمین نیاز عمومی به امنیت لازم است که از طرف حاکمیت، اعمال قدرت شود، در این خصوص حکومت‌ها اقدام به ایجاد نهادهای امنیتی از جمله پلیس می‌نمایند تا با اقتدار، این خواسته عمومی انسان‌ها را تأمین کنند. در جمهوری اسلامی ایران نیروی انتظامی همان مظهر اقتدار

نظام و نظمی است که می‌خواهد امنیت کشور را حفظ، تأمین و از آن پاسداری کند. ناجا به‌عنوان نماینده حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی در بین مردم است و نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۲/۶).

تأمین امنیت فیزیکی و بقای وجودی جامعه در سطوح مختلف بهره‌گیری از قوای نظامی صورت می‌گیرد. ابزار نیروی انتظامی و تأمین امنیت اجتماعی ادامه و مکمل دیگر لایه‌های امنیت ملی هستند که در قالب یک مفهوم کلان‌تر به نام امنیت ملی قرار می‌گیرند.

«آنچه من امروز می‌خواهم به شما جوانان عزیزمان عرض کنم، اهمیت نیروی انتظامی است؛ اهمیت کاری است که شما به آن همت گماشته‌اید. اهمیت نیروی انتظامی را باید در اهمیت امنیت اجتماعی دانست. هراندازه که امنیت برای یک ملت و یک کشور مهم است، به همان اندازه باید به حافظان امنیت - که یک مظهر برجسته آن، نیروی انتظامی است - اهمیت داد. کارتان کار مهمی است. امنیت در یک کشور - چه امنیت اجتماعی و مدنی، چه امنیت روانی و اخلاقی - یکی از پایه‌ها و ارکان اصلی پیشرفت و قوام و سربلندی کشور است. بدترین بلایی که می‌توان بر سر یک ملت رو به رشد و پیشرفت وارد آورد، سلب امنیت است. وقتی امنیت وجود نداشت، فکر منتظم و به‌دنبال آن، عمل منتظم هم وجود نخواهد داشت و پیشرفت میسر نخواهد شد. علاوه بر این‌ها، امنیت یک نیاز اساسی برای انسانهاست. «آلذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف»؛ به‌عنوان دو نعمت بزرگ الهی، خدای متعال این را به رخ مخاطبان این آیه شریفه می‌کشد: نجات از گرسنگی و نجات از ناامنی. این‌ها اهمیت امنیت را نشان می‌دهد. نیروی انتظامی، هم مظهر اقتدار نظام و نظمی است که می‌خواهد امنیت کشور را حفظ کند و تأمین کند و از آن پاسداری کند، هم مظهر مهربانی و دلسوزی و روحیه رأفت و رحمت نظام نسبت به آحاد مردم است. این دو تا در کنار هم و توأم با یکدیگر باید مورد توجه قرار بگیرد. در آموزش‌ها، در دوره‌های گوناگونی که برای کارآموزی بخش‌های مختلف تشکیل می‌شود، این را بایستی به آحاد نیروی انتظامی تعلیم داد، تا جزء فرهنگ قطعی نیروی انتظامی بشود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۶/۲۹).

۴-۲. امنیت اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

امنیت اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به امنیت سخت‌افزاری و بقای جامعه محدود نمی‌شود بلکه امنیت اخلاقی و هنجاری بخش مهمی هستند که در صورت فقدان آن‌ها قوام و استحکام جامعه دچار آسیب‌های جدی می‌شود.

«امنیت اجتماعی و امنیت فردی که می‌گوییم، صرفاً این نیست که شما از خانه که بیرون می‌آیید تا اداره یا دکان و محل کسب یا مدرسه، فرض کنید کسی در خیابان به شما چاقو نزنند. خب بله، این یکی از شعب امنیت است که تعرض جسمی به انسان نشود - بلاشک این هست - اما در کنار این، امنیت‌های رقیق‌تر از لحاظ رؤیت و مشاهده اما گاهی به مراتب خطرناک‌تر وجود دارد. فرض کنید ناامنی‌ای که ناشی است از ترویج مواد مخدر؛ اگر چنانچه محیط گردشگاه ما، محیط بوستان ما، محیط خیابان ما، محیط مدرسه ما جوری باشد که آن کسی که وارد آنجا می‌شود - به‌خصوص جوان‌ها در مقابل ترویج مواد مخدر ایمنی نداشته باشند، این ناامنی خیلی خطرناکی است. اگر فرض بفرمایید جوان‌های ما در مقابل کشاندن به سمت فحشا و منکرات، ایمنی نداشته باشند، این ناامنی بزرگی است. شما لابد اطلاع دارید، ما هم گزارش‌هایی داریم که افرادی با خرج پول و با الهام از مراکز دستوردهنده، سعی‌شان این است که جوان‌های ما را در محافل شبانه در جاهای گوناگون به سمت فحشا و به سمت منکرات بکشانند! این غیر از این است که حالا یک جوانی یک حرکت غلط غیر شرعی انجام می‌دهد؛ نه، این کشاندن جوان‌ها به سمت منکرات ناامنی است؛ شما نباید بگذارید؛ باید مانع بشوید. اینکه مثلاً فرض بفرمایید خیابان ما از لحاظ ایجاد حوادث گوناگون جسمانی ایمن باشد اما جوان ما ایمن نباشد که او را با وسوسه‌ها از داخل مدرسه، از داخل دانشگاه، از داخل پارک، از داخل فروشگاه، از داخل رفاقت‌های خیابانی بکشانند به یک محفل شبانه‌ای و او را با فحشا و منکرات و مانند این‌ها آشنا کنند یا غرق در این چیزها بکنند؛ یا تجاوزهای ناموسی؛ این‌ها چیزهایی است که جزء مسائل مهم امنیت است. یعنی اگر ما امنیتی داشته باشیم که این چیزها در آن ملاحظه شود، این درواقع امنیت نیست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۶/۲).

به باور آیت‌الله خامنه‌ای اسلامی امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین نقاطی است که دشمنان با صدمه زدن به آن به دنبال آلوده ساختن فرهنگ و هویت ایرانی هستند تا در سایه آن سایر ارکان جامعه را هدف قرار دهند.

«ملاحظه می‌کنید امروز دشمنان، امنیت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده‌اند؛ این چیزی است که به‌طور واضح و جلوی چشم همه می‌بینند و مشاهده می‌کنند. دشمنانی که با اساس جمهوری اسلامی مخالف‌اند، امروز بهترین راه اعمال مخالفت خود را در این پیدا کرده‌اند که امنیت کشور را به خطر بیندازند. علاوه بر امنیت اخلاقی و فرهنگی که چند سال است دشمن روی آن با شدت کار می‌کند - که مکرر به‌عنوان هشدار به مسئولان، تهاجم فرهنگی دشمن را یادآور شده‌ایم - و علاوه بر امنیت سیاسی که دشمن در حرکت سیاسی کلان نظام می‌خواهد اختلالاتی ایجاد نماید، امروز در صدد است امنیت اجتماعی و مدنی مردم را از بین ببرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۶/۲).

در تأمین امنیت اجتماعی تنها ابزارهای سخت‌افزاری نمی‌توانند مؤثر و کارآمد باشند بلکه حضور مردم و بهره‌گیری از ظرفیت سایر دستگاه‌ها می‌تواند به‌صورت مکمل این مهم را تأمین کند.

«ما جزء کشورهایی هستیم که به توفیق پروردگار بیشترین امنیت اجتماعی و مدنی را داشته‌ایم. سال‌هاست که آحاد مردم با آرامش و همبستگی در امنیت زندگی می‌کنند. می‌خواهند این را از بین ببرند؛ می‌خواهند کاری کنند که یک انسان در جامعه، بر مال و فرزند و جوان و بر تحصیل و ادامه راه خود به‌سوی آرمان‌هایی که هر شخصی دارد، هیچ‌گونه امنیت و تضمینی نداشته باشد؛ این عیناً همان نقشه‌ای است که اول انقلاب طراحی کردند تا امنیت را از بین ببرند. آن روز هم هدف اصلی را امنیت جامعه قرار دادند. آن روز هم می‌گفتند آزادی نیست و به بهانه دروغین مطالبه آزادی، امنیتی را که به تدریج مستقر می‌شد، می‌خواستند نگذارند مستقر شود؛ اما نظام بر این حرکت دشمن فائق آمد. امروز هم به بهانه دروغین و مزورانه مطالبه آزادی‌های مدنی می‌خواهند امنیت مدنی و اجتماعی را از بین ببرند، که بازهم فائق نخواهند آمد. بازهم دشمن در مقابل اراده ملت ایران و در مقابل ایمان و ایستادگی این مردم، بسیار ضعیف و زبون است. این را دشمن بارها تجربه کرده است،

بازهم تجربه خواهد کرد. بالاخره عده‌ای از مردم را دچار مشکل می‌کنند. دستگاهی که در این قضایا می‌تواند نقش ایفا کند، از جمله، دستگاه قضایی است. البته دستگاه‌های اجرایی و سیاسی کشور هم نقش‌های مهم و فعال دارند و بحمدالله امروز همه متوجه مسئولیت‌های خود در این زمینه‌ها هستند. دستگاه قضایی هم نقش بسیار مهمی دارد و این ان‌شاءالله با توجه به امنیت قضایی مردم و با رعایت آداب قضا در اسلام و حفظ حقوق مردم در همه مراحل قضایی، تأمین خواهد شد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۴/۷).

۴-۳. امنیت اقتصادی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

تأمین امنیت اقتصادی به‌عنوان یکی از بسترهای اساسی ثبات ملی نیازمند برخورد با اخلاص‌گران اقتصادی و مفسدینی است که با بهره‌گیری از اطلاعات و پرداخت رشوه به‌دنبال سودهای نجومی هستند.

«دادن امنیت به مردم یک پایه مهمش روی دوش قوه قضاییه است چه امنیت اقتصادی، چه امنیت اجتماعی، چه امنیت اخلاقی و چه امنیت حیثیتی. درست است که دستگاه‌های گوناگون اجرایی هرکدام به نحوی در این کارها با قوه قضاییه شریک‌اند- مثلاً در امنیت اجتماعی، دستگاه‌های انتظامی با قوه قضاییه شریک‌اند و باید استقرار امنیت کنند- اما نقش قوه قضاییه در اینجا چیست؟ این است که آن‌کسی که متجاوز است، از سوی قوه قضاییه آن‌چنان با او برخورد شود که مایه عبرت شود. درست است که مسئولان امنیت اقتصادی غالباً در دستگاه‌های اجرایی‌اند- وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاه‌های پولی و بانکی- و این‌ها مسئول‌اند، اما نقش قوه قضاییه این است که اگر در مجموعه این عملکردها و تعامل این دستگاه‌ها با مردم، مفسد اقتصادی به وجود آمد، قوه قضاییه آن‌چنان با او برخورد کند که مایه عبرت برای کسانی باشد که دستگاه اقتصادی را به فساد می‌کشاند. این، خود یک عامل مهم در ایجاد امنیت اقتصادی است. بعضی خیال می‌کنند یا این‌جور وانمود می‌کنند که خیال کرده‌اند که برخورد با مفسد اقتصادی، مخل امنیت اقتصادی است. این عکس قضیه است این درست نقطه مقابل حقیقت است. برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیر مفسد. غیر مفسد کیست؟ اکثریت مردم. مفسد اقتصادی تعداد معدودی هستند، سوءاستفاده‌چی‌ها. با این‌ها

برخورد سخت بشود تا اکثریت مردم، اکثر فعالان صحنه اجتماع که در امر اقتصادی کار می‌کنند، احساس کنند دارای امنیت‌اند و راه صحیح راهی است که آن‌ها پیش گرفته‌اند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۴/۷).

۴-۴. امنیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

در آخرین لایه از امنیت ملی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای اسلامی امنیت سیاسی قرار دارد. امنیت سیاسی مهم‌ترین بعد نرم‌افزاری و محافظ سایر لایه‌های امنیت است. جهت‌گیری‌ها و مسئولیت‌پذیری نخبگان اداره‌کننده امور جامعه در این لایه از امنیت قرار دارد.

«امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگانه‌گویی و دوگانه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردن معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعامی که علی‌الظاهر شیرین هم هست، زهر مخلوط نکنند؛ این امنیت سیاسی است. آن قلمی که برمی‌دارد بیست‌سال تلاش و مجاهدت مظلومانه و فداکارانه این ملت را در مقابله با قدرت‌های زورگوی چپاولگر دشمن ظالم انکار می‌کند، این امنیت سیاسی کشور را به هم می‌زند و ناامنی فکری ایجاد می‌کند. آن کسی که در داخل کشور، با استفاده از امکاناتی که قانون و بیت‌المال این مردم در اختیار او گذاشته است، برمی‌دارد خواسته‌های دولتمردان و سیاستمداران فلان کشور دشمن را توجیه می‌کند و با قالب‌های علی‌الظاهر پسندیده، به خورد یک عده می‌دهد، این ناامنی سیاسی و فکری ایجاد می‌کند. این هم مثل همان دزد سرگردنه است - فرقی نمی‌کند - مثل همان اشرار لب مرز است. آن‌ها مگر چه کار می‌کنند؟ آن‌ها هم جنس قاچاق می‌آورند و جوانان مردم را دچار انواع بدبختی‌ها و بیماری‌ها و اعتیاد می‌کنند. آن که این کار را می‌کند، از او که کمتر نیست؛ اگر خطرناک‌تر نباشد، این‌ها ذهن‌ها را منحرف و گمراه می‌کنند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۶/۱۰).

نتیجه‌گیری

در دوره قبل از انقلاب اسلامی، بی‌کفایتی محمدرضا شاه در تامین امنیت ملی کشور چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی منجر به قیام‌ها و شورش‌ها علیه وی و حکومت و درنهایت پیروزی انقلاب اسلامی شد. وقوع انقلاب و رهبری امام خمینی^(ره) تعریف و برداشت جدیدی از امنیت ملی را وارد عرصه سیاست‌گذاری نمود که این برداشت نوین کمتر با پیش‌فرض‌های سنتی موجود و نیز تصورات حاکم بر رژیم گذشته سازگاری داشت. ویژگی‌های انقلاب اسلامی و وجه تمایز اصلی آن از دیگر حرکت‌ها و نهضت‌های معاصر با سه عنصر، اسلامی بودن، مردمی بودن و رهبری شناسایی می‌شود. در نتیجه یکی از ویژگی‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران جایگاه رهبری آن از دید نظری و نقش بارز امام خمینی در تحقق این دیدگاه و برقراری پیوند عمیق با مردم و وحدت بخشی به آنان است. اکنون بعد از گذشت بیش از چهار دهه، انقلاب اسلامی به واسطه رهنمودها، راهنمایی‌ها و رهبری فداکارانه و مدبرانه آیت‌الله خامنه‌ای توانسته است تمام فراز و نشیب‌های راه را طی کند و هر روز قدرتمندتر از قبل در جامعه جهانی حضور یابد. و با وجود توطئه‌ها و کارشکنی‌های داخلی و خارجی، امنیت در کشور فراهم سازد.

این مقاله از واکاوی امنیت در نقطه نظرات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که بنا بر نظر ایشان، هر جامعه‌ای برای حفظ و بقا و پیشرفت خود نیاز به یک حکومت دارد تا آن را اداره کند. و یکی از اصلی‌ترین وظایف هر حکومتی و از جمله حکومت اسلامی، امنیت است. حکومت اسلامی که مظهر قدرت مردم در جامعه است باید با اقتدار، این خواسته عمومی انسان‌ها را تأمین کند. امنیت زمینه همه موفقیت‌ها و پیشرفت‌هاست. در جمهوری اسلامی ایران نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی است. و هر اندازه که امنیت برای یک ملت و یک کشور مهم است به همان اندازه باید به حافظان آن که یک مظهر برجسته آن نیروی انتظامی است اهمیت داد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای امنیت یک مسئله چندبُعدی و سیال است و در مسیر تأمین آن، نیروی انتظامی تنها مسئول برقراری امنیت نیست و دستگاه اجرایی و قوه قضاییه و سایر نهادها و مردم نیز می‌بایست در این مهم نقش‌آفرین باشند تا امنیت در همه ابعاد و به صورت کامل

برقرار گردد. تأمین امنیت از یکسو تدبیر و مدیریت نظام را به رخ می‌کشد چراکه حفظ نظم در داخل کشور نشان‌دهنده اقتدار نظام است و از سوی دیگر با امکان‌پذیر نمودن اداره کشور بستر و فضای اساسی برای بالندگی نظام جمهوری اسلامی ایران را در سایر عرصه‌های علم، پیشرفت، تکنولوژی و اقتصاد فراهم می‌کند تا همه فعالیت‌های کشور بتواند به‌درستی برنامه‌ریزی و با دقت دنبال‌شده و به نتایج خود برسند.

فهرست منابع

- اسلامی، مسعود (۱۳۶۹). جایگاه و موقعیت کشورهای کوچک در نظام بین‌المللی، مجله سیاست خارجی، سال ۴، شماره ۴.
- اصغری ثانی، حسین؛ هزیری، علی؛ برازجانی، مریم (۱۴۰۰). پیوند باستان‌شناسی با امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۴، شماره ۴.
- اقراریان، مهدی؛ پیشگاه هادیان، حمید؛ بلندیان، غلامحسین؛ اشرفی، اکبر (۱۴۰۱). سیاست‌گذاری امنیتی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۵۷.
- امیری لرگانی، سلمان؛ جعفری نسب، مسعود؛ رضایی، محسن (۱۳۹۸). منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه احساس امنیت اجتماعی (با رویکرد آرامش و اقتدار جامعه اسلامی)، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ۱۲، شماره ۴.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۹۰/۶/۲۹.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۴/۷.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و وزرای صنایع و بازرگانی، ۱۳۸۰/۴/۱۰.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۶/۱۰.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از طلایه‌داران، خانواده‌های شهدا، هنرمندان، نویسندگان، امدادگران و پیش‌کسوتان و فعالان دفاع مقدس، ۱۴۰۲/۰۶/۲۹.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۲.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با خانواده شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضاییه، ۱۳۸۶/۴/۷.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه انتظامی، ۱۳۹۶/۶/۲۶.
- بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹). فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، نشر سفیر.
- باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۸). مرجع امنیت در اندیشه سیاسی و امنیتی آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسن، سال ۸، شماره ۲۹.

- بهزادی، حمید (۱۳۶۸). *اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران، انتشارات دهخدا.
- پالوج، قاسم؛ ساوه درودی، مصطفی؛ خزلی، یاسر (۱۴۰۲). *امنیت اقتصادی فردی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای*، فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران، سال ۷، شماره ۲۵.
- حبیب‌زاده، قاسم (۱۳۹۸). *ابعاد امنیت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای*، نشریه امنیت ملی، دوره ۹، شماره ۳۱.
- حسن‌زاده، عسل (۱۳۹۴). *بررسی امنیت ملی ایران قبل و بعد انقلاب اسلامی*، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۶، شماره ۲۳.
- ساوه درودی، مصطفی؛ قادری، هاشم؛ انصاری‌فرد، حسین (۱۴۰۱). *الگوی امنیت اجتماعی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای*، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال ۱۰، شماره ۲.
- سیمبر، رضا؛ رضای‌پور، دانیال (۱۳۹۷). *امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای*، فصلنامه بحران‌پژوهی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱۱.
- شایگان، فریبا (۱۳۹۵). *راهکارهای ارتقای امنیت اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای*، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۳۹.
- شایگان، فریبا؛ حسینی، ناهید؛ عامری، محمدعلی (۱۳۹۷). *واکاوی راهبرد امنیت و آرامش از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای*، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ۱۱، شماره ۴.
- عبدالهی، محسن (۱۴۰۱). *راهبرد آیت‌الله خامنه‌ای در همراهی امنیت و منافع ملی با وحدت اسلامی در راستای سلامت معنوی جامعه*، نشریه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره ۶، شماره ۱.
- قاسمی، ح (۱۳۷۲). *برداشت‌های متفاوت از امنیت ملی*، مجله سیاست دفاعی، سال اول، شماره ۲.
- قربان‌پور، علی؛ قربان‌پور، محمد (۱۳۹۷). *مفهوم امنیت ملی و نقش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین آن*، همایش جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی - جایزه ویژه علامه جعفری^(ه)، دوره برگزاری ۱.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۰). *مدیریت بحران‌های بین‌المللی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- کاویانی، محمدهادی (۱۳۹۷). *امنیت ملی در قرآن کریم*، نشریه مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۳.
 - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱). *دفاع و امنیت ملی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای*، دفتر مطالعات سیاسی، کد موضوعی ۲۶۰.
 - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸). *بسیج، اقتدار، امنیت ملی*، کارگروه ۱ خدمات پژوهشی، معاونت پژوهشی.
 - نظری، احسان (۱۳۸۹). *راه‌های مشارکت مردمی در افزایش امنیت اجتماعی*، ماهنامه دادرس، شماره ۷۹.
 - هاشمی، صدیقه سادات (۱۴۰۰). *تبیین نقش و جایگاه نیروی انتظامی در اعمال حاکمیت برای تأمین نیاز عمومی به امنیت از منظر فرماندهی کل قوا*، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال ۱۲، شماره ۴۴.
 - هافندورن، هلگا (۱۳۷۱). *معمای امنیت*، ترجمه: علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، شماره ۴.
- H. Bull, *The Anarchical society: A study of order in world pol.t.cs* (New york: columbia university press, 1977) p.26-27.